

خبر تکاندهنده در شفاخانه چهار صد بستر کابل



خبر جانگاہ چاشت امروز نہ تنها مردم کابل بلکه مردم افغانستان را تکان بیسابقہ داد.
نخست گزارشی را کہ صبح بخیر و بعدن گزارش از کلید را کہ در کابل منتشر گردانیدند ، باہم میخوانیم.
گزارش از یک خبر تکاندهندہ در شفاخانہ چہار صد بستر وزارت دفاع ملی افغانستان در شہر کابل



حمله انتحاری در شفاخانه چهارصد بستر کابل:

یک حمله ی انتحاری حوالی ساعت 12 ظهر امروز در شفاخانه نظامی سردار محمد داوود خان (چهارصد بستر) صورت گرفت.

وزارت دفاع ملی طی خبرنامه یی اعلام نمود که این حمله در داخل شفاخانه رخ داد که در آن 6 تن از منسوبین این شفاخانه کشته شده و 23 تن دیگر زخمی شدند.

طالبان مسوولیت این حمله انتحاری را به عهده گرفته اند. سخنگوی طالبان در صحبت با رسانه ها مدعی شده که در این حمله انتحاری شماری زیادی از کارمندان این شفاخانه را کشته شده اند.

سازمان دفاع از حقوق بشر اعلامیه ای منتشر نموده است که ضمیمه این خبر به شما فرستاده میشود. "

کشته و زخمی شدن 22 تن بر اثر انفجار در کابل

تهیه شده توسط کلید
شنبه 31 ثور 1390 ساعت 13:15



بر اثر وقوع انفجار در شفاخانه سردار محمد داوود خان (چهارصد بستر سابق) شش تن کشته و 16 تن دیگر زخمی شدند.

وزارت دفاع می گوید، انفجار در یکی از خیمه های شفاخانه سردار محمد داوود خان شهر کابل رخ داد که باعث تلفات و خسارات گردیده است.

این انفجار انتحاری حوالی ساعت 12 چاشت امروز شنبه رخ داد.

یک منبع شفاخانه سردار محمد داوود گفته است که این انفجار در خیمه طب متوسط نظامی به وقوع پیوسته است.

سمونوال محمد ظاهر رئیس تحقیقات جنایی زون 101 آسمایی کابل گفته است که در این انفجار 6 تن کشته و 16 تن دیگر زخمی شده اند.

وی گفته است که اکثر قربانیان محصلین طب متوسطه نظامی بوده اند که برای نان خوردن جمع شده بوده اند.

برخی رسانه ها گزارش داده اند که این انفجار ناشی از حمله انتحاری بوده و بر اثر آن ده ها تن کشته و مجروح شده اند.

مسئولیت انفجار را گروه طالبان به عهده گرفته و مدعی شده است که در آن 51 تن کشته شده اند.

اینهم تبصره باقی سمندر بر خبر:

ذبیح الله مجاهد سخنگوی طالبان مسوولیت این جنایت را بطور آشکار بدوش گرفت.

شکی ندارم که طالبان و القاعده، حزب اسلامی حکمتیار، حزب تحریر و شرکای محلی و منطقوی و بین المللی شان نه از کشتن بیماران در شفاخانه ها پرهیز میکنند، نه از کشتن مردم در روی سرک و کوچه و بازار، نه از کشتن شاگردو معلم و کارگر، نه از کشتن پولیس و افسر و عسکر، نه از کشتن ملا و قاضی و مامور دفتر.

از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب افغانستان جنایت کاران متحد شده اند تا افغانستان و مردم اش را برای همیشه لگد مال نموده و به انقیاد ملی در آورند.

شبهی در افغانستان به گشت و گذار است، شبح وحشت و بربریت و جنایت تمام و کامل آن.

همه جنایت کاران و شبکه های رنگارنگ جاسوسی و مخبری شان در افغانستان و منطقه متحد شده اند تا غرور ملی مردم افغانستان را برای همیشه بشکنند و تفرقه های گوناگون را جایگزین آگاهی ملی، غرور ملی، منافع ملی افغانستان سازند و افغانستان و مردمش را به انقیاد بکشانند.

آنها بیکه آرزوی به انقیاد کشیدن و به انقیاد آوردن افغانستان و مردمش را به سر میپورانند، این آرزوی شوم خود را به گواهی تاریخ به گور خواهند برد.

در شفاخانه چهار صد بستر کابل مریض ها و بیماران قرار داشتند. کدام اخلاق، کدام سیاست، کدام فرهنگ، کدام ایدولوژی بخود حق کشتن بیماران را میدهد؟

جنایت کاران ای طالب و شرکا با شعار مبارزه برضد امریکا و کفار میخواهند برای مردم افغانستان یکبار دیگر تحقق بخشیدن به وحشت و بربریت را امر دایمی و همیشگی جلوه داده و به اریکه فرمانروایی افغانستان - کابل لم بدهند و مانیفست وحشت و بربریت و تمدن ستیزی را در افغانستان و منطقه موبه مو مورد اجرا قرار دهند.

همه آنها بیکه تا حال در مورد طالبان و شرکایشان توهم داشته اند، بایست عمیق بیاندیشند و صف خود را در تیوری و پراتیک از جنایت کاران جدا سازند و خط فاصل خود را روشن گردانند.

در داخل افغانستان عده ای برای بقدرت رسیدن مجدد طالبان به اریکه فرمانروایی کابل روز شماری میکنند و طالبان میخواهند با این همه جنایت در پشت درهای بسته و کنفرانس های سازش امتیاز بیشتر بگیرند. امتیاز گرفتن با قتل نمودن بیماران در شفاخانه یکی از ترفند های جنایت کاران حرفه وی و جنایت کاران یخن سفید شان است.

عده ای انگشت شماری که خود خویشتن را "انتهی امپریالیست و انقلابی" جلوه میدهند و در یک جبهه اعلان نشده زیر رهبری آی اس آی و جنایت کاران طالب قرار گرفته اند، باید در مورد این جنایت آشکار در شفاخانه چهار صد بستر موضع گیری علنی و بدون کجدار و مریز نمایند و صف خود را از جنایت کاران و دشمنان مردم افغانستان رسماً جدا سازند.

اگر برای عده ای تسلیم طلبی ملی با تسلیم طلبی طبقاتی یکجا شده است و هر حرکت ارتجاعی و قرون وسطایی و بربریت منشانه ای ضد رژیم حامد کرزی و ناتو و امریکا و متحدین شان را مورد دفاع قرار می دهند، این عده بایست به خاطر بسپارند که بدون آنکه ادوارد برنشین را بشناسند، پیرو خط فکری تسلیم طلبانه وی میباشند که میگفت:

" جنبش همه چیز است " در اوایل سده بیست از هواداران برنشین پرسیده میشد که:

اگر " جنبش همه چیز است " هدف نهایی چیست؟

برنشین میگفت:

جنبش همه چیز و هدف نهایی هیچ!

تا جاییکه معلوم میشود هدف نهایی پیروان ادوارد برنشین در افغانستان استقرار حاکمیت طالبان به ریاست آی اس آی و ام آی شش است.

این عده تصمیم گرفته اند تا حاکمیت حامد کرزی را با حاکمیت طالبان تعویض نمایند. برای این عده حاکمیت ملی، منافع ملی، استقلال ملی و خط مشی مستقل ملی هیچ مفهوم ندارد. این عده به رنگهای مختلف و شعار های بوقلمون از بام تا شام مصروف اند و برای بقدرت رسیدن طالبان چشم براه میباشند. اگر اینطور نیست بفرمایند الترناتیف و یا برابر نهاد شان را بنمایانند تا دیده شود که چه رژیمی را که جایگزین حاکمیت حامد کرزی و شرکای منطقوی و بین المللی اش میگردانند؟

عده ای انگشت شمار دیگر بدون آنکه متوجه باشند، شعاری بلند کرده اند که:

شورش برحق است "

اما فراموش کرده اند که در شعار تاریخی جنبش ملی – دیموکراتیک دست برد زده اند.

شعار چنین بوده است:

"شورش علیه مرتجعین برحق است". این عده انگشت شمار با کینه و نفرت برحق که برضد مستبدین دارند، مرتجعین را معاف ساخته و از متن شعار بیرون نموده و هر نوع شورش برایشان حقانیت دارد.

عده ای دیگری بدون آنکه بدانند دستان پیروان پرو باقرص ماکیاوولی را از پشت سر بسته اند.

برای ماکیاوولی هدف همه چیز و مقدس بود و وسیله هدف را توجیه میکرد. به کتاب شهریار یا له پرنس اگر ببینیم، با تمام برنامه ماکیاوولی آشنا میگردیم.

من ننتها جنایت امروز چاشت طالبان و شرکای جنایت کارش را در شفاخانه چهار صد بستر کابل محکوم مینمایم، بلکه هر نوع جنایت و از همه جنایت کاران و مرتجعین رنگارنگ را محکوم نموده ام و باز خواهم نمود.

اگر نیروهایی که خود را ملی – دیموکرات مینامند، نتوانند با ارایه یک فراخوان عمومی و همه جانبه ملی – دموکراتیک برای نزدیک شدن سیاسی همدیگر کار نمایند و برای تامین وحدت ملی – دموکراتیک مبارزه نمایند، فردا در برابر جنایات دیگری قرار خواهند گرفت.

به پیشواز یک افغانستان مستقل، متحد، آزاد، آباد، شگوفان و مترقی و دیموکراتیک گامهای استوار تر به پیش بگذاریم.

31 ثور – اردیبهشت سال 1390

21 ماه می سال 2011

باقی سمند